



اسرائیل قتل عام تمام مردم غزه را در پیش گرفته است

بر اساس آمار وزارت بهداشت و درمان غزه در سال ۲۰۲۲ «سن حدود نیمی از جمعیت این منطقه زیر ۱۸ سال است.» لذا فاشیست‌های اسرائیلی در مقابل یک نسل جوان ایستاده و به کشتار فله‌ای آنها ادامه می‌دهند. بر مبنای این آمار روشن می‌شود که چرا قتل عام دختران و پسران کودک و جوان بیش از بزرگسالان است. زیرا در مقابل اسرائیل علاوه بر نیروی تروریستی حماس، نسل جوان و رزمنده فلسطینی قرار دارد. «از میان ۱۹۶۶۷ کشته تا آن روز، بیش از ۸۰۰۰ کودک ادامه در صفحه ۴

مهمترین عامل خودکشی یا ادامه مبارزه در طبقه کارگر چیست؟

قوانین کار در ایران جمهوری اسلامی یکی از عقب مانده‌ترین قوانین کار در سطح بین‌المللی است. با این وجود هر گاه پای منافع این یا آن شرکت‌های خودی به میان آید هیچ یک از بندهای همین قوانین عقب مانده نیز اجرا نمی‌شود. در چنین شرایطی منافع این یا آن شرک مشخص، تبدیل به قانون می‌گردد.



این را حتی دولتبان نیز اقرار می‌کنند. «نیروی کار در کشور که گاه به اندازه گرفتن حداقلی‌ترین حقوق خود هم اعتبار و قدرت ندارد، آنجا که پای منافع به میان می‌آید، همه‌ی قوانین به حاشیه می‌روند و خواسته‌ی پر قدرت‌ها و پرنفوذها خود قانون می‌شود.» (ایلنا - دنیای اقتصاد - کد خبر: ۳۹۲۴۲۶۹) ادامه در صفحه ۲

لازمه ایجاد حزب کمونیست، رشد دائمی آگاهی طبقاتی‌ست

انفجار مرگبار کرمان و دستان خونین جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی ایران مسبب اصلی هر جنایتی است که در این کشور صورت می‌گیرد. در چهارشنبه ۱۳ دی ماه ۱۴۰۲ بر اثر انفجار دو بمب قدرتمند به فاصله ده دقیقه در نزدیکی مسجد صاحب‌الزمان کرمان بیش از صد نفر کشته و صدها نفر دیگر مجروح شدند. این انفجارات مرگبار در مراسم سالگرد ادامه در صفحه ۶

کودک‌همسری، تجاوز به تمام ابعاد جامعه

نوروزی، نایب رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس یازدهم در نشست در مورد همین مسأله گفت: «کودک‌همسری به موارد ازدواج بچه ۹ سال یا ۱۰ سال گفته می‌شود، اما دختر ۱۳ ساله که دیگر کودک همسر نیست.» و تأکید کرد که «سن ازدواج در دختران به معنی سن بلوغ در نظر گرفته می‌شود که عموماً سن ۱۳ یا ۱۴ سال است... قانون درست ادامه در صفحه ۹



تخریب محیط زیست ایران یعنی تخریب بنیان‌های اساسی زندگی مردم

یوسف یوسفی مدیر کل سازمان حفاظت از محیط زیست استان مرکزی می‌گوید: «نیروگاه سازند اراک در شبانه‌روز چهار میلیون لیتر مازوت ادامه در صفحه ۷

می توانستم شاعری باشم

بی درد، پُرافاده، خودپسند،
پرده بردار پتیارگانی
که بر ستمدیدگان ترس خورده
حکومت می‌کنند.
ادامه در صفحه ۱۳

تحریف تروتسکیستی رویدادهای تاریخی

نوشته علی رسولی
سؤال بر اینست که تروتسکی از تخریب در برقراری صلح با آلمان (برست لیوتوفسک)، و اجرای نقشه‌های مشکوک در مهم‌ترین جنگ‌های داخلی (کلچاک، دنیکین و دفع ادامه در صفحه ۱۱

مهمترین عامل خودکشی یا ادامه مبارزه در طبقه کارگر چیست؟

پرنفوذها با استثمار بی حد کارگران و خروج ثروتی که آن‌ها تولید می‌کنند، این طبقه زحمتکش کشور را به فقری غیر قابل تحمل سوق می‌دهند.

فرهاد احتشام‌زاده، رئیس هیأت مدیره فدراسیون واردات ایران در ۲۱ فروردین ۱۳۹۷ از فرار ۸۰۰ میلیارد دلار سرمایه کشور در طول مدت ۴۰ سال خبر می‌دهد. (گزارش شهروند) در واقع پرنفوذها سالی بیست میلیارد دلار عصاره جان کارگران را به بیرون از مرزهای ایران می‌پاشند.

فقط «در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، دست‌کم ۹۷ میلیارد دلار سرمایه از ایران خارج شده است.» (رادیو فردا - قرائت: ۲۶ دسامبر ۲۰۲۳)

حال ببینیم کارگران ایران که چنین ثروت‌های عظیمی را تولید می‌کنند خود در چه شرایطی به سر می‌برند:

اگر قیمت دلار را ۴۹۸۰۰ تومان در نظر بگیریم (۵ دی ۱۴۰۲)، کل حداقل مزد و مزایای ماهانه هر کارگر مساویست با ۱۶۱,۶۳ دلار در ماه. به بیان دیگر حداقل مزد یک کارگر ایرانی در هر ساعت ۵۴ سنت آمریکایی (۰,۵۴ دلار) است. هجده سنت کمتر از یک کارگر پاکستانی و ۳۱ سنت کمتر از یک کارگر افغانستانی است.

به طور متوسط، حداقل مزد ماهانه یک کارگر افغانستانی ۲۶۳,۲۰ دلار است. حدود ۱۰۰ دلار در ماه بیشتر از یک کارگر ایرانی. (اطلاعات پایه‌ای از سایت <https://azhich.ir/business-in-afghanistan>)

این در شرایطی است که بالاترین حداقل دستمزد ماهانه در لوکزامبورگ ۵۴۹۹ دلار می‌باشد، یعنی ۲۲/۱۷ دلار در ساعت.

با این آمارها میشود تقریباً دقیق و قابل لمس ارزش نیروی کار، شرایط اجتماعی کار و شرایط کارگران صنعتی و غیر صنعتی کشورمان را در سطح بین‌المللی و داخلی دریافت.

دولت ایران آگاهانه و به صورت لایحه تصویب شده در مجلس شورای اسلامی، اخبار را جعل شده (که "ضد انقلاب" نتواند از آن "سوء استفاده کند") منتشر میکند. با این وجود از همین اطلاعات جعلی میتوان به طور نسبی واقعیات را دریافت.

بر مبنای گفتار آقای مهدی پازوکی اقتصاددان نرخ تورم بهمن ماه ۱۴۰۱، ۴۷,۷ درصد بوده است ولی نرخ تورم نقطه به نقطه بهمن ماه ۱۴۰۱ را ۵۳,۴ درصد ارزیابی میکند.

تحت تأثیر چنین تورم بالائی، سفره کارگران و زحمتکشان کشور ما در عرض یک سال به بیش از ۱۰۰ درصد تقلیل یافته است: «در سالی که دولت سیزدهم روی کار آمد، نرخ دلار در بازار آزاد ۲۴ هزار و ۵۰۰ تومان بود، اما قیمت دلار هم‌اکنون بالای ۵۲ هزار تومان است. قیمت بهترین برنج کیلویی ۳۰ هزار تومان بوده، اما این عدد هم اکنون در سفره خانوار ۱۳۰ هزار تومان

کارخانجات برای نجات خود از تورم موجود تا میتوانند بر استثمار کارگران میافزایند و در عین حال از پرداخت همان دست مزد تعیین شده نیز سرباز می‌زنند. این شرایط دردناک و ایدئولوژی و سیاست حاکم بر جنبش کارگری باعث گشته است پیش پای زحمتکشان ایران دو راه گشوده شود:

- ۱- خودکشی.
- ۲- مبارزه برای ادامه حیات.

۱- خودکشی:

خودکشی کارگران تابع شرایطی است که اگر همه جانبه بررسی نکرده، راه برون رفت از این معضل نیز خود را آشکار نمی‌سازد.

خودکشی، بدون در نظر گرفتن زمینه آن؛ شغلی، عشقی، اجتماعی و...، در لحظه‌ای صورت می‌گیرد که فرد، همه راه‌ها را برای نجات از معضلی که بر دست و پایش پیچیده است بسته می‌بیند، تنها یک بی راهه می‌ماند؛ پایان دادن به زندگی

حداقل حقوق و دستمزد کارگران که توسط کمیته حقوق و دستمزد تعیین شده است		
ردیف	شرح	(ماهانه) ریال
۱	حداقل دستمزد با مبنای ۳۰ روز	۵۳,۰۸۲,۸۴۰
۲	بن کارگری	۱۱,۰۰۰,۰۰۰
۳	حق مسکن	۹,۰۰۰,۰۰۰
۴	(حق اولاد) برای هر فرزند	۵,۳۰۸,۲۸۴
۵	(پایه سنوات) به شرط داشتن یک سال سابقه کار	۸۰۴۹۱۱۲/۴
جمع	حداقل مزد و مزایای ماهانه کارگران در ایران	۸۰۴۹۱۱۲/۴ تومان
مأخذ: تا شماره ۵ از سایت استخدام - قرائت: ۲۵ دسامبر ۲۰۲۳		

شده است. روغن ۵ کیلویی ۵۰ هزار تومان بوده، اما این روغن بالای ۳۵۰ هزار تومان است. سکه ۱۲ میلیون تومان بوده که الان ۳۲ میلیون تومان شده است.» (خبر آنلاین - ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۲)

از جانب دیگر چنین تورم بالائی ارزش مزد کارگران را نیز بیش از ۱۰۰ درصد نقصان می‌دهد. با این نقصان باید مواد غذایی مورد احتیاج را با قیمت ۱۰۰ در صد گرانت‌تر تهیه نمایند.

آنچه که در مورد تورم گفته شد فقط گریبان کارگران و زحمتکشان ایران را نمی‌گیرد بلکه بر سود کارخانجات کوچک و متوسط در ایران نیز تأثیر می‌گذارد. این

و راحت شدن همیشگی از آن معضل. معمولاً کارگرانی خودکشی می‌کنند که دارای خانواده هستند. درد و رنج ناشی از فقر و سرآشوب به سوی مرگ تدریجی اعضای خانواده، باعث می‌شود که پس از تلاش‌های عظیم نان آور خانواده برای بهبود شرایط زندگی خانواده‌اش و شکست این تلاش‌ها، به مرگ روی آورد تا شاهد مرگ تدریجی عزیزانش نباشد.

«روز پنجشنبه سی آذر، دو تن از کارکنان پتروشیمی چوار ایلام به دلیل اخراج از محل کار از طریق حلق آویز کردن دست به خودکشی زدند. وضعیت عمومی این شهروندان وخیم گزارش شده است ... با احتساب این دو کارگر طی

مدت کمتر از دو سال، شش کارگر این پتروشیمی دست به خودکشی زده اند.» (خبرگزاری هرانا - قرائت: ۲۶ دسامبر ۲۰۲۳)

اساس و بنیان تاریک دیدن آینده، مسدود دیدن همه راه ها و ایده فرار از جلوی مشکلات به جای مبارزه با آنها، عمدتاً در ایدئولوژی و سیاست حاکم بر جنبش کارگری نهفته است.

فشار اقتصادی رژیم عامل خارجی درجه دوم است. اگر این ایدئولوژی و سیاست علیه رژیم و در دفاع از مبارزات کلیه اقشار مترقی جامعه سمت گیری نکند و گام به گام فقط با طرح خواست‌های معیشتی عقب نشینی کند و انرژی کارگران را برای دفاع از کل مبارزات مردم آزاد نسازد و راه رفاه و آزادی را در این سمت نشان ندهد، فقط فکر طبقه را روی خواست‌های معیشتی متمرکز سازد، چون فشار دائم‌التراید رژیم فاشیستی ایران بر معیشت کارگران است و آن را هر لحظه تنگتر میکند، ضعیف‌تری کارگران را در زندان نجات خود و خانواده محصور می‌کند و چون همه راه‌ها غیر از این بیراهه وجود ندارد، او را به سوی بی‌آیندگی و مرگ میکشاند، به سوی خودکشی، به فرار از معضل به جای مبارزه برای حل معضل و دادن هزینه در این راه.

لذا ایدئولوژی و سیاست حاکم بر جنبش کارگری در ایستادگی کارگران برای حل معضل و یا فرارشان به سوی مرگ نقش تعیین کننده‌ای دارد.

۲- مبارزه برای ادامه زندگی:

طبقه کارگر قادر به ادامه یک زندگی شایسته نخواهد بود، اگر به عنوان یک طبقه اجتماعی با دیگر طبقات مترقی در مبارزه علیه سرمایه‌داری و خواست‌های دمکراتیک خودش و اقشار دیگر متحد نشود، اگر تنها بماند، اگر از دیگر طبقات مترقی جامعه منزوی گردد، انرژی بی‌نهایت‌اش آنچنان در خودش منجمد می‌شود که حتی قادر به مبارزه معیشتی نیز نخواهد شد. طبقه کارگر ایران علاوه

بر سنت مبارزه ۱۵۰ ساله، در جنبش ۱۴۰۱ آنچنان بالندگی و نوسازی ایدئولوژیک - سیاسی از خود نشان داد که در رأس مبارزات کارگران جهان قرار گرفت. در آن ماه‌ها، هر چه کارگران بیشتر با اقشار مترقی جامعه پیوند برقرار می‌کردند، هر چه بیشتر از خواست‌های دمکراتیک آن‌ها پشتیبانی می‌کردند، هر چقدر با ممانعت و سازشکاری درون خود، مبارزه طبقاتی را بی رحمانه جلو میبردند، به دستاوردهای اقتصادی - سیاسی و اجتماعی بیشتری نائل می‌آمدند و رژیم را مجبور به عقب نشینی می‌کردند.

از آن روزی که بخش نه چندان اندک کارگران در مقابله با نفوذ اندیشه‌های خرده بورژوازی در درون طبقه خودش عقب نشینی کردند، انقلاب ژبنائی را پذیرفتند، جلوی به اصطلاح شعار "زن، زندگی، سرخم کردند و هر اندازه در بیانیه‌های خود از خواست‌های اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی کمتر پشتیبانی به عمل آوردند، عقب نشینی خود در مقابل رژیم را نیز تسریع کردند، کار

تا به امروز رسیده است. مبارزه، مبارزه ولی فقط معیشتی، فقط گرفتن مزدی که بین کارگر و سرمایه‌دار تعیین شده است. این یک خط ایدئولوژیک - سیاسی است که عقب نشینی تا کنونی جنبش کارگری در مقابل رژیم فاشیستی ایران را باعث گردیده است.

مثلاً به درخواست‌های کارکنان رسمی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری توجه کنیم:

اعتراض کارکنان رسمی وزارت نفت شاغل در مراکز عملیاتی نسبت به عدم رسیدگی به خواسته‌های زیر است:

- حذف کامل سقف حقوق

- حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی

- عودت کسورات مازاد مالیات
- اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی
- عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت
این خواست‌ها هیچ انگیزه‌ای برای پشتیبانی همه جانبه و تمام و کمال اقشار غیر پرولتری ولی مترقی، از کارگران به وجود نمی‌آورد. رژیم محدودیت بیشتری اعمال میکند و کارگران در انفراد کامل رها میشوند. ایده نجات گروه به نجات فردی کشیده میشود و زمینه مادی و ذهنی خودکشی فراهم می‌آید

وقتی ما از عقب نشینی صحبت می‌کنیم، منظورمان عدم مبارزه بخش‌های مختلف این طبقه نیست، بلکه منظورمان عدم مبارزه سیاسی طبقاتی این طبقه و پشتیبانی بی‌چون و چرایش از مبارزات محقانه اقشار و گروه‌های مترقی، زندانیان سیاسی و... است. خطی است که



خرده بورژوازی برای جلوگیری از اروج طبقه کارگر به عنوان طبقه و انقلابی‌ترین طبقه در مبارزه علیه رژیم فاشیستی ایران، در مقابل خط پرولتری لنینی، قرار می‌دهد. لنین این خط را اکونومیستی مینامد.

امروزه کارگران مبارزه اقتصادی خود را تشدید کرده‌اند. این امر خوبی است ولی مبارزات سیاسی عمومی و اجتماعی خود را کاسته‌اند. این امر بسیار بدیست. طبقه کارگر با پانهادن در تمام میدان‌های مبارزه اعم از معیشتی، سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانی در کل جامعه، در پشتیبانی بی‌چون و چرا و همه جانبه از خواست‌های دمکراتیک مردم مترقی و دخالتگری روشن و آشکار در پروسه مبارزات اقتصادی - سیاسی تمام اقشار

وابسته مانند بی بی سی، رادیو فرانسه، رادیو زمانه و رایو فردا، فقط از روی ناچاری و تحت فشارهای سنگین جهانی به جنایات اربابان خود اقرار می‌کنند. «اما کارشناسانی که بی‌بی‌سی با آنها

صحبت کرده، اتفاق نظر دارند که سرعت کشته شدن فلسطینیان در جنگ غزه به مراتب بیشتر از جنگ‌های دیگری است که در دوره‌های اخیر رخ داده است.» (بی بی سی - فارسی)

این معنی دیگری غیر از اقرار به نسل کشی همه جانبه، خونخوارانه و با شتاب فاشیست‌های اسرائیلی ندارد. همه می‌دانند که اسرائیل یکی از عزیز دردانه‌های دولت انگلیس به حساب می‌آید، دولتی که همین بی بی سی را سازمان داده است.

مدیر ایرویز که از ۲۰۱۴ آمار کشته شدگان غیر نظامی را ثبت می‌کند، می‌گوید: «آنچه از نظر کشته‌های غیرنظامی شاهد آن هستیم، این جنگ تا همین الان هم هر جنگ دیگری را که آمار آن ثبت و مستند شده، با فاصله زیادی پشت سر گذاشته است.»

مارکوسگارلاسکو تحلیلگر ارشد پیشین پنتاگون می‌گوید: «برای یافتن میزان مشابه مواد منفجره‌ای که در مناطق کوچک پرجمعیت استفاده شده و مقایسه آن با جنگ غزه، شاید مجبور باشیم به زمان جنگ ویتنام برگردیم، مانند آنچه که در بمباران کریسمس سال ۱۹۷۲ رخ داد و در جریان عملیات لاین‌بکر ۲ حدود ۲۰ هزار تن بمب روی شهر هانوی ریخته شد.» (بی بی سی - فارسی)

این تحلیلگر وابسته و مزدور امپریالیسم آمریکا، آمریکائی که مرتب طرح آتش بس در سازمان ملل را به نفع اسرائیل و تو می‌کند مجبور می‌شود پرده از روی گوشه‌ای از جنایات آمریکا و امروزه اسرائیل بردارد.

طبق گزارش سازمان ملل در طول دو سال جنگ در اوکراین «دست کم ۱۰ هزار غیرنظامی جانشان را از دست داده‌اند. هر چند که نهاد ناظر بر حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته است که با در نظر گرفتن موانع و زمانی که برای تایید

بخاطر اعتراضاتشان احکام زندان، اخراج و تبعید گرفته‌اند. اما اتحاد و همبستگی مردم در مقابل همه شیوه‌های سرکوب حتی یک لحظه متوقف نشده است.»

این بیانیه قدرت متحد کردن تمام مردمان ستم دیده و سرکوب شده را دارد. این بیانیه نه فقط از حقوق و مزد بلکه از آزادی زندانیان، از شنیع بودن شکنجه و اعدام، از مبارزه تا به آخر نیز صحبت می‌کند. این بیانیه گام مؤثریست در تهاجم مجدد طبقه کارگر علیه رژیم فاشیستی - مذهبی جمهوری اسلامی ایران و درهم شکستن روحیه و ایدئولوژی خودکشی.

حزب کمونیست راستین ایران شکل سازمانی ایدئولوژی پرولتاریاست

اسرائیل قتل عام تمام مردم غزه را در پیش گرفته است

و ۶۲۰۰ زن وجود دارند.» (دفتر رسانه‌ای دولت حماس در غزه - ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳)

ولی ارتش اسرائیل برای قتل عام، فقط به دنبال کودکان و جوانان نیست بلکه قتل عام همه مردم غزه و امحاء فلسطینیان را در پیش گرفته است. در ۲۱ دسامبر ۲۰۲۳ علاوه بر قتل عام بیش از ۲۰ هزار فلسطینی توسط ارتش اسرائیل، بیش از ۵۲ هزار نفر نیز زخمی شده‌اند که هیچ امکان مداوایی برای آنها میسر نیست. یونیسف، صندوق کودکان سازمان ملل متحد گفته است که غزه «خطرناکترین جای زمین برای کودکان است.» بهتر بود که می‌گفت: غزه خطرناکترین جای زمین برای مردم غیر اسرائیلی روی زمین است. البته باید یاد آور شد که در اسرائیل نیز مردم از شر دولت فاشیستی اسرائیل و سازمان تروریستی حماس در امنیت و آرامش نیستند. نیروها و رسانه‌های مرتجع و

مترقی جامعه و طرد اپوزیسیون ارتجاعی است که شادابی خود را باز می‌یابد، به عقب نشینی خود خاتمه می‌دهد و تهاجم آشکار و میلیونی خود را در پیش می‌گیرد. طبقه کارگر به تنهایی نه تنها به سوسیالیسم نمی‌رسد بلکه در همین نظام سرمایه‌داری نیز میماند و مجبور به تن دادن به شرایط دردناکتری می‌گردد. برای رسیدن به سوسیالیسم طبقه کارگر باید با متحدین خود متحد شود و برای این اتحاد باید در میدان مبارزه آن‌ها نیز پا گذارد، مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی را برای تصفیه صفوف آنها با قاطعیت طبقاتی پرولتری پیش ببرد تا هوای مسموم به هوای تازه و لطیف تبدیل گردد و سرمایه‌داری را در اتحادی دیرپا با دیگر زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی به خاک بسپارد و سوسیالیسم را بنا نهد.

خوشبختانه تعدادی از تشکلات کارگری، با ترمز عقب نشینی طولانی و برداشتن گامی تهاجمی علیه رژیم جمهوری اسلامی، امید تهاجم گسترده کل طبقه را در دل‌ها زنده ساخته است.

در "بیانیه تشکلهای کارگری و اجتماعی علیه اعدام‌ها و سرکوبگریهای حکومت"، چنین آمده است: «بکارگیری طناب دار این ابزار قتل عمد دولتی، سیاستی کثیف و خطرناک است که هدف مستقیمش مرعوب کردن ما مردم است. باید با قدرت اتحاد سراسری مبارزاتی مان جلوی حرکت این ماشین سرکوب و جنایت را بگیریم.

ما امضا کنندگان این بیانیه در کنار خانواده‌های دادخواه اعدام شدگان و جانبختگان انقلاب زن زندگی آزادی بر توقف فوری اعدام‌ها تاکید داریم.

علاوه بر اعدامها حکومت از دیگر ظرفیتهای سرکوبگرانه اش استفاده میکند و پاسخ هر اعتراضی با تهدید و زندان و اخراج داده میشود. از جمله ماشین پرونده سازی‌های امنیتی، احضار کردن‌ها و حکم دادن‌ها با سرعت در حرکت است و در این یکساله کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان، خانواده های دادخواه و فعالین اجتماعی بسیاری

آمار لازم است، میزان واقعی تلفات ممکن است بسیار بیشتر از این تعداد باشد.»

آمارهای فوق نشانی از بربریت بی مثال فاشیست‌های اسرائیلی دارد که در جنایت و قتل عام از هم جنس‌های خود نیز پیشی گرفته‌اند. برای این که این توحش را که فقط هم مربوط به اسرائیل نیست بلکه هم طبقه‌ای‌های سران اسرائیل در کشورهای دیگر نیز بدان مسلح هستند، قدری ملموس کنیم، گفتار مارک گارلاسکو را می‌آوریم: «اگر کسی نزدیک محل اصابت بزرگترین بمب‌هایی که استفاده شده باشد احساس می‌کند "روی زمین سوار بر موج شده است، چون موج انفجار در آن لحظه سطح زمین را به شکلی در می‌آورد که انگار آب موج است". آنچه ویرانگری این بمب‌ها را بیشتر می‌کند، تراکم بالای جمعیت است. نوار غزه منطقه‌ای است که تنها ۴۱ کیلومتر طول و ۱۰ کیلومتر عرض دارد. قبل از جنگ به طور متوسط بیش از ۵۷۰۰ نفر در هر کیلومتر مربع ساکن بودند که بسیار شبیه تراکم جمعیت در شهر لندن است.» (بی بی سی - فارسی - قرائت: ۲۰ دسامبر ۲۰۲۳)

شبکه خبری سی ان ان می‌گوید: «از زمان آغاز جنگ تا اوایل ماه دسامبر، اسرائیل بیش از ۲۹ هزار بمب روی غزه ریخته که بین ۴۰ تا ۴۵ درصد از آنها هدایت پذیر نبوده است.»

با این وجود، ادعاها و مصاحبه‌های نتانیاهو و سران ارتش اسرائیل نشان از عدم توانایی این ارتش مهاجم به رسیدن به اولین اهداف خود دارد. ارتش اسرائیل به بی بی سی گفته است: «آمار دقیق تعداد تروپست‌های کشته شده حماس را در اختیار ندارد.» این بدان معناست که ارتش اسرائیل در حملات خود همه مردم فلسطین را هدف گرفته است تا شاید افراد از حماس نیز در آن قتل عام، کشته شوند. ولی بلافاصله دروغ دیگری می‌گوید که نشان از شکست آنها در اولین گام‌هایشان دارد: «مقام‌های ارشد اسرائیلی مدعی شده‌اند که اسرائیل به ازای هر دو

فلسطینی غیرنظامی، یک عضو حماس را کشته است. یوناتان کونریکوس، سخنگوی ارتش اسرائیل در گفت و گو با سی ان ان، نسبت کشته شدگان غیرنظامی به نظامی را "بسیار مثبت" توصیف کرد.» (بی بی سی - فارسی)

ارتش اسرائیل تا به حال بیش از ۵۲ هزار نفر غیر نظامی را قتل عام کرده است. بنا بر گفته فوق ارتش اسرائیل می‌بایست ۲۶ هزار عضو حماس را کشته باشد. در عین حال ارتش اسرائیل این نسبت را با غرور و شادمانی ابراز می‌کند یعنی کشته شدن دو غیر نظامی برای کشته شدن یک حماسی خیلی کم است. البته باید بیشتر می‌شد.

در فارسی به چنین دروغ‌هایی می‌گویند دروغ شاخ دار. این اخبار جعلی ماهیت فاشیستی تبلیغات گوبلزی سران اسرائیل را بر ملا می‌سازد.

در اول می‌گویند ما نمی‌دانیم چند حماسی کشته شده و بعد می‌گویند ۲۶ هزار حماسی را کشته‌ایم. بدون سند، بدون مدرک، ادعا برای نشان دادن پیروزی. آنها در جایی از هفت هزار کشته حماسی صحبت کرده‌اند و در جای دیگر از چند هزار و در فوق از ۲۶ هزار.

همین ادعای بی پشتوانه نشان از شکست نظامی ارتش اسرائیل تا مرحله فعلی دارد.

دولتمردان بربر و ضد بشری اسرائیل که بوی شکست بردماغشان خلیده است، دیگر سر از پا نمی‌شناسند، بمب‌هاشان را در غزه به هر سوئی پرتاب می‌کنند. اخیرا شمال، مرکز و جنوب غزه را با هزاران بمب دیگر ویران کرده، و هزاران نفر دیگر را کشته‌اند.

اسرائیل دستور داده که خان یونس بزرگترین شهر جنوب غزه و یکی از پناهگاه‌های مهم مردم غزه را تخلیه کنند. بمباران البریج، جباليا و همچنین خان یونس نیز همچنان ادامه دارد. فاشیست‌های اسرائیلی در نوار غزه علاقه زیادی به بمباران بیمارستان‌ها دارند. اولین بمب‌ها را در هر شهر و روستائی روی بیمارستان‌ها می‌ریزند. بمباران سه

منطقه شمالی، مرکزی و جنوبی نوار غزه نشان می‌دهد که هدف اسرائیل قتل عام کل فلسطینیان نوار غزه است تا از "شر" آنها راحت شود و اسرائیل بزرگ را بر خرابه‌های فلسطین و اجساد فلسطینی‌ها بنا نهد. «اسرائیل ۳ شهرک جدید یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی فلسطین را قانونی می‌کند.» (TRT فارسی - ۹ ژانویه ۲۰۲۴)

البته بر مبنای شواهد تاریخی و اوضاع فعلی جهان که همه زحمتکشان با اتحاد روز افزون توطئه‌های مرتجعین فاشیست را بی اثر می‌کنند، این نقشه فاشیستی نیز شکست خواهد خورد. یکی از مهمترین عوامل شکست اسرائیل در جنگ غزه رشد تضاد مردم با دولت و رشد تضاد در نیروهای نظامی اسرائیلی‌ست. این تضادها آرام آرام در حال رشد هستند. در چند روز پیش تظاهرات وسیعی در شهرهای اسرائیل علیه جنگ خانمان سوز غزه برگزار شد که ده‌ها تن زخمی و دستگیر شدند.

در جریان حملات وحشیانه فاشیست‌های اسرائیلی به نوار غزه، در سازمان ملل متحد، نمایندگان دولت‌های سرمایه‌داری مشغول قر و غمزه و دلربائی و نشان دادن پنجه و چنگول برای هم هستند.

هیچ دولتی حاضر نیست عملا پا در میان گذارد و اسرائیل را مجبور به قبول آتش بس کند. عده‌ای با قربان صدقه رفتن برای هم، بمباران اسرائیل را "محکوم" می‌کنند، عده‌ای دیگر بزرگوارانه سکوت اختیار کرده‌اند که ببینند "چه می‌شود". اینها بدترین خائنین به مردم آزاده جهان هستند. که در بین آنها چین مقام خاصی دارد. هیچ واقعه‌ای در جهان نمی‌توانست ماسک سوسیالیستی چین را این چنین پاره کند و چهره ددمنش و امپریالیستی آن را بر ملا سازد.

چند نماینده نیز در سازمان ملل شمشیر علیه اسرائیل کشیده‌اند. مثل نماینده ترکیه و ایران. ولی این دولت‌ها همانند اسرائیل ملیت‌های در اقلیت و گروه‌های قومی و دینی کشور خود را تحت شدیدترین ستم‌های فاشیستی قرار می‌دهند و شرایط

انفجار مرگبار کرمان و داستان خونین جمهوری اسلامی

قاسم سلیمانی، یکی از سران سازمان چپاولگر و آدمکش سپاه پاسداران، اتفاق افتاد.

- رژیم جمهوری اسلامی در بوق تبلیغاتی خود آمریکا و اسرائیل را محکوم میکند.
- داعش مسؤولیت این انفجار را بر عهده میگیرد و

- برخی از سازمان‌ها و نیروهای اپوزیسیون این انفجارات را کار خود رژیم جمهوری اسلامی میدانند. استدلال آنها چنین است که هیچ کدام از سران جمهوری اسلامی و اعضای خانواده سلیمانی در این حادثه حضور نداشته‌اند. این که این انفجارات مرگبار جنایت کارانه را چه کسی باعث گردیده است، با وجود این که مورد مناقشه روز است ولی اهمیت درجه دوم و سوم دارد. اهمیت درجه اول این است که رژیم خونخوار جمهوری اسلامی از این جنایت بالاترین سود را میبرد:

۱- اژدهای، رئیس قوه قضائیه گفته است: «کسانی که در حادثه کرمان با دشمن هم‌صدا شدند باید تعقیب شوند.» به این ترتیب هر نیرو و یا فردی که بخواهد ته و توی قضیه را درآورد و در این مورد شک و شبهه‌هایی را مطرح کند تحت تعقیب قرار میگیرد. او تأکید کرده است که: «دادستان‌ها نباید از اقدامات کسانی که پس از حادثه کرمان در فضای مجازی و غیرمجازی با دشمن هم‌صدایی و دشمن را کمک کردند، رد شوند، بلکه باید مطابق با قانون به تعقیب آن‌ها بپردازند.» و برای نمونه چند نفری را نیز دستگیر کرده‌اند: «بازداشت مدیران گروه توهین کننده به شهدای حادثه تروریستی کرمان در بوبین زهرا.» (سایت فارس) این سیاست هراس افکنی توسط دولتمردان رژیم جمهوری اسلامی از همان اوان شکل گیری این رژیم اعمال میشد. لاجوردی جانی یک روز پیش از آغاز قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ در

۳- جریان فکری‌ای که در دفاع از مردم فلسطین و اسرائیل، هم فاشیست‌های اسرائیلی را محکوم می‌کنند و هم تروریست‌های حماس را. این گرایش نه در بین نیروهای حاکم، بلکه در میان نیروهای مردمی نفوذ دارد و اکثریت مردم جهان دارای این گرایش هستند. کمونیست‌ها با سازماندهی این مردم و مبارزه علیه اسرائیل در این درگیری قادر هستند نقش پر اهمیتی در ایجاد یک دولت فلسطینی آزاد و مستقل ایفا نمایند.

ولی آنچه در این روزها غم انگیز و یا مضحک به نظر می‌رسد وضعیت پا در هوای مبلغین "سوسیالیسم چینی"، "چین مردمی"، "چین پشتیبان پرولتاریای جهانی"، است.

آنهایی که مبلغین ایدئولوژیک بی جیره موجب چین امپریالیستی هستند، امروزه خفقان گرفته و در سوراخ خود فرو رفته‌اند. آنها مردمان بی پرستی هستند که قادر نیستند اشتباهات خود را در بین مردم افشا کنند و از خود انتقاد نمایند. جنگ اسرائیل و فلسطینیان چهره خونین امپریالیسم چین را بدون ماسک به مردم جهان نشان داد. مردم دیدند که چین در مورد قتل عام فلسطینیان همانند آمریکا عمل می‌کند البته با کمی قر و اطوار دیپلماتیک. آنها دیدند که در دیدار شی جین پینگ با جو بایدن آن چه که مطرح نشد، سرنوشت دردناک مردم غزه بود.

این را نیروهای مترقی هیچگاه از یاد نخواهند برد ولی اپورتونیست‌ها به سردمداری مرتضی محیط مرتد، پس از مدتی دوباره سر از سوراخ در می‌آورند و سینه برای سوسیال - امپریالیسم چین چاک می‌دهند.

**با مبارزه علیه سازمان
تروریستی حماس و
فاشیسم اسرائیل
از مردم فلسطین و
اسرائیل دفاع کنیم!**

غیر قابل تحملی برای گروه‌های قومی و مذهبی مثل ارامنه در ترکیه، و بهائی‌ها در ایران به وجود آورده‌اند. این دولت‌ها همانند دولت اسرائیل علیه ملت خود و ملت‌های دیگر فاشیسم اعمال می‌کنند. ولی همه این دولت‌ها اقدام بی نظیر و دوران آفرینی را به منصفه ظهور رسانده‌اند. قطع نامه‌ای در جمعه اول دی ماه ۱۴۰۲ برای رساندن مواد معیشتی به غزه تصویب کرده‌اند که در آن هیچ درخواستی در مورد آتش بس قید نشده است. چین "سوسیالیستی" نیز به این قطعنامه قهرمانانه رأی داده و نسبت به تغییرات منفی قطعنامه اول انعکاس مثبت نشان داده است. ماشاالله به این کشور "سوسیالیستی" و "دوست" خلقهای آفریقا و مردم فلسطین! آفرین.

امروزه در بین مردم جهان سه گرایش در مورد تهاجم اسرائیل به غزه به وجود آمده است:

۱- دولت اسرائیل، تمام نیروهای امپریالیستی به ویژه غربی آن، ارتودوکس‌های یهودی، برخی نیروهای سرمایه‌داری در اپوزیسیون مثل سلطنت طلبان ایرانی، طرفدار تهاجم اسرائیل به غزه و کشتار مردم این منطقه و محکومیت حماس به عنوان نماینده مردم فلسطین، هستند. این گرایش کمترین طرفدار را در جهان دارد.

۲- گرایشی که به طرفداری مردم فلسطین برخاسته و در عین حال حماس را نماینده این مردم می‌داند. طرفداران این گرایش طیف وسیعی هستند: برخی دولت‌های مرتجع و فاشیست مثل رژیم ایران و ترکیه در این طیف قرار دارند. در عین حال عده‌ای از مردم که در این کشورها زندگی می‌کنند ناشی از تبلیغات و یا ترس با این جریان همراهی نشان می‌دهند. بسیاری از مردم عادی نیز واقعا فکر می‌کنند که حماس نماینده مردم فلسطین است و از آن جانب داری کرده و حتی کمک می‌کنند. این گرایش از گرایش اول بسیار گسترده‌تر است. پایه مردمی وسیعی دارد. به همین جهت نیز مبارزه با آن در گستره وسیعی باید صورت گیرد.

تخریب محیط زیست ایران یعنی تخریب بنیان‌های اساسی زندگی مردم ایران

می‌سوزاند.» (ایسنا - کد خبر ۹۹۱۰۱۵۱۱۱۳۸). مازوت نوعی نفت کوره با کیفیت پائین است که ویسکوزیته (گران‌روی) آن بسیار بالاست. در اثر سوزاندن مازوت، گاز sox منتشر می‌شود که در غلظت 10ppb بوی ناخوشایند آن زیاد نیست و خطرش برای سلامتی نیز اندک است ولی وقتی غلظت آن به 500ppb و بالاتر می‌رسد آنوقت دارای بوی ناخوشایند و زننده‌ایست که کشنده است. این همانند ذرات معلق در هواست که بافت‌های ریه و اندام‌های تنفسی را چون خنجر می‌خراشد، باعث آسم و سرطان می‌شود، پوست بدن را چون اسید قوی می‌خورد و حساسیت‌های خطرناک و سرطان پوست به وجود می‌آورد.

وجود این گاز در طولانی مدت در هوا، در قطرات باران حل می‌شود، و به صورت باران‌های اسیدی زمین را آنچنان مسموم می‌سازد که گیاهان قادر به ریشه دواندن در خاک نخواهند شد. لذا کل طبیعت یک منطقه تغییر می‌کند.

ولی سرمایه‌داری بی رحم‌تر از آن است که از سود خود به نفع زندگی دست بکشد. سرمایه‌دار برای یک تک ریالی روی نعش هزاران انسان می‌رود. این جنایت سیستم سرمایه‌داری با قدرت اسلحه رژیم جمهوری اسلامی حداقل در استان مرکزی در حال اجراست. یوسفی در ادامه می‌گوید: «مازوت سوزی نیروگاه حرارتی شازند سال گذشته از ۲۰ آبانماه با چهار واحد آغاز شد و تا ۱۶ اسفند ماه، حدود ۷۵۰ میلیون لیتر مازوت توسط این واحد سوزانده شد.» حال می‌شود به ابعاد فاجعه‌ای که فقط این گاز مسموم در زندگی مردم استان و استانهای مجاور ایجاد کرده است، پی برد.

این در حالی‌ست که رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت از محیط زیست ایران، داریوش گل‌علیزاده،

حرکت در آوردن مردم آبادان در راه انقلاب انجام دادیم تا خیال کنند کار ساواک است و به حرکت در آیند.»

در هفت تیرماه ۱۳۶۰ دولتمردان آن زمان رژیم با بمت گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی، ۷۲ نفر از خودی‌ها منجمله دکتر بهشتی را کشتند.

آیت الله خلخالی با فرمان روح‌الله خمینی، شخصا با مسلسل دستی بیش از ۳۰ روحانی درجه اول کشور را قتل عام کرد.

در سالهای ۱۳۶۰ رژیم ایران ده‌ها هزار از جوانان برومند این کشور را نیز قتل عام کرد.

از آن تاریخ تا کنون چه در مقابله با جنبش‌های عظیم مردم و چه در شرایط عادی دست‌اش به خون هزاران دیگر آغشته شده است.

لذا با در نظر گرفتن چنین شناسنامه پر و "افتخار آمیزی"، این نظر که بمب گذاری کرمان نیز میتواند همانند جنایت سینما رکس آبادان کار دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی باشد، تقویت می‌گردد.

به هر جهت این اعمال تروریستی که همیشه باعث قربانی شدن عده‌ای از مردمان بی گناه می‌گردد، محکوم است. ما در عین محکوم کردن چنین اعمال جنایت کارانه‌ای به خانواده آن انسان‌های بی گناهی که در این حادثه جان خود را از دست داده‌اند تسلیت می‌گوئیم و اطمینان می‌دهیم که زحمتکشان ایران با سرنگونی رژیم سرمایه‌داری و دد منش و سفاک جمهوری اسلامی، که مسبب اصلی هر واقعه هولناکی است که در این کشور روی می‌دهد، امنیت و آسایش را به این کشور و خطه دنیا باز می‌گردانند.

سرمایه‌داری امپریالیستی جهان را بر مبنای خصلت استثمارگرانه و چپاول‌گرانه‌اش به صورت ویرانه‌ی کنونی درآورده است. تغییرات مثبت به نفع طبقات استثمار شده و ستم دیده را نه سرمایه‌داری، بلکه نوسازی درونی جنبش کمونیستی شکل خواهد داد. در پروسه ایجاد احزاب کمونیست در کشورهای مختلف و ایجاد یک انترناسیونال کمونیستی مقتدر این روند آغاز می‌گردد.

بین خبرنگاران گفت: «خوشبختانه انگیزه‌ای برای وکلا وجود ندارد که از این آقاییون بیایند دفاع بکنند. چون بالاخره یک مقدار اعتقاد باید به حرکت مسلحانه علیه نظام داشته باشد تا وکالت از یک متهم را به عهده بگیرد...» به بیان دیگر اگر از آنها دفاع کنید، شما را هم میکشیم. از تاریخ وقوع این انفجارات تا کنون ده‌ها نفر را با همان انگیزه فوق دستگیر کرده‌اند. با این انگیزه بسیاری از فعالین سیاسی را نیز دستگیر خواهند کرد و به جوبه‌های اعدام خواهند سپرد.

۲- رژیم اسلامی ایران در بین مردم هیچ مشروعیتی ندارد. نظر سنجی نشان میدهد که هیچ کس داوطلبانه در انتخابات آینده شرکت نخواهد کرد. در عین حال رژیم به لحاظ اقتصادی و سیاسی نه تنها علیه ۸۰ میلیون از جمعیت ایران ایستاده و اکثریت مردم کشور را علیه خود متحد کرده است، بلکه در درونش تضادهای لاینحلی وجود دارد که مثل خوره پایه‌هایش را از درون متزلزل می‌سازد. رژیم ایران برای انحراف افکار عمومی از معضلات عیدیه‌ای که خود بر دست و پای مردم و خودش تنیده است، از این واقعه به بهترین وجهی سوء استفاده میکند. ۳- رژیم با این حادثه خونین، بار دیگر در سطح بین‌المللی مایل است حقانیت خود را در "مبارزه" با اسرائیل و آمریکا به جهانیان ثابت کند.

نگاهی گذرا به جنایات رژیم کنونی در ایران میتواند راهنمایی باشد برای رسیدن به مسبب انفجارات اخیر در کرمان. رهبران شیعه برای منفرد کردن دولت پهلوی و ایجاد پایه مردمی وسیع برای خود، سینما رکس آبادان را با همه تماشاچیانش به آتش کشیدند و همه را سوزاندند. علی تهرانی شوهر خواهر علی خامنه‌ای چنین می‌گوید: «ما در سفر بودیم که خبر آتش سوزی سینما رکس آبادان منتشر شد. من خیال میکردم کار ساواک است. چون هر خرابکاری‌ای که میشد به ساواک می‌بستند. ولی آقای شیخ نوری همدانی تأیید کرد و گفت "ما، در شورای اسلامی قم، این کار را برای به

می‌گوید: «سال گذشته در ۳۳ شهر مرگ بیش از ۲۶ هزار نفر بر اثر آلودگی هوا ثبت شده و خسارت وارده نیز، ۱۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بوده است. همچنین در تهران آلودگی هوا تنها در سال گذشته ۶ هزار مرگ و میر با خسارت سه میلیارد دلاری را رقم زده است.» (VOA - ۱۳ آذر ۱۴۰۲) مرگ ناشی از آلودگی هوا در ایران ۱۲/۵ درصد علل کلیه مرگ‌هاست

خسارات نام برده شده، یعنی خسارت جانی و مالی را مردم فقیر جامعه پرداخته‌اند. و سود حاصله اکنون در جیب دولتمردان سرمایه‌دار است. هوای آلود ناشی از سوخت ناسالم در کارخانه‌ها و خودروهاست. کارخانه با سوخت ناسالم ولی ارزان راه اندازی می‌شود تا میلیون‌ها کارگر استثمار شوند و ارزش اضافه تولید شده را سرمایه‌دار به غارت ببرد.

ساختن کارخانه در ایران نُرْم و استاندارد ندارد. هر کس که رابطه نزدیک با حاکمین دارد و یا خود جزو آنهاست، می‌تواند در هر نقطه‌ای حتی وسط شهرها کارخانه بسازد.

نمونه برجسته آن، شهر اراک است. در اطراف شهر مرکزی استان مرکزی یعنی اراک کارخانجات عظیمی ساخته‌اند که مرتب در حال تولید گازهای سمی هستند. از هر سو که باد بوزد، این گازها را وارد شهر می‌کند و مردم را بیمار و وامانده می‌سازد.

هنر دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در این خلاصه نمی‌شود. در آن سوی دیگر ایران، پروژه خاتمان سوز دیگری را در دست اجرا دارند که برایشان بسیار سود آور است: پروژه انتقال آب به مناطق مرکزی ایران، اساساً برای مصرف کارخانجات.

این پروژه را از چند جانب باید بررسی نمود:

۱- اگر به جدول رویرو دقت شود، معلوم می‌گردد که مثلاً منطقه اصفهان ۱۵۷۱ متر از سطح دریا و در این مورد مشخص از سطح خلیج فارس بالاتر است. لذا برای

رساندن آب خلیج فارس به کارخانجات اصفهان، باید آب را با پمپاژهای قوی به بالا فرستاد. در عین حال باید حوضچه‌هایی نیز در ارتفاع‌های مختلف درست کرد که آب از حوضچه پائین به حوضچه بالاتر انتقال یابد تا به سطح منطقه اصفهان برسد. فقط این بخش پروژه میلیاردها دلار خرج دارد. یعنی میلیاردها دلار سود به انبان صاحبان کارخانجات سازنده این پروژه سرازیر می‌کند.

۲- در هر حوضچه‌ای آب شور دریا وارد آب‌های زیر زمینی شده و آب مورد استفاده کشاورزی را به طور کامل بی مصرف می‌سازد.

۳- اگر آب در کنار دریا تصفیه شده و به آب شیرین تبدیل شود (این امر توسط کلیه کشورهای اطراف خلیج فارس منجمله ایران در حال انجام است)، کل اکوسیستم منطقه کنار دریا را تخریب می‌کند و اگر آب شور در بالا و نزدیک کارخانه به آب شیرین تبدیل شود این تخریب ابعاد مصیبت‌باری برای شرب مردم و کشاورزی منطقه به همراه می‌آورد.

۴- این پروژه آنچنان مخرب است که می‌تواند کشاورزی منطقه وسیعی را به نابودی بکشاند و میلیون‌ها نفر را از خانه و کاشانه‌شان کوچ دهد. بر خلاف تبلیغات سرمایه‌گذاران در این رشته و دولت حامی آن‌ها، استاندار اصفهان مجبور به اقرار می‌شود که «براساس توافقی که در جلسه وزارت نیرو در مهرماه ۱۴۰۱ انجام شد، مقرر شد تا ۳۰ درصد این پروژه انتقال آب برای شرب لحاظ شود و ۷۰ درصد برای صنعت مورد استفاده قرار گیرد.» (ایلنا - کد خبر: ۶۹۱۳۸۱) در مرحله نخست انتقال آب از دریای عمان ۷۰ میلیون مترمکعب و در مرحله دوم ۴۰۰ میلیون مترمکعب آب به اصفهان انتقال داده می‌شود. (ایلنا - کد خبر: ۸۵۲۴۲۲۹۰)

آن وقت مردم اصفهان باید به دلیل تخریب همه جانبه محیط زیست و ریزشهای عمیق زمین و همه آثار باستانی از شهر خود کوچ کنند.

۵- مضر بودن این پروژه را همه می‌دانند، بسیاری هم بدان انتقاد کرده‌اند ولی قدرت مافیای مالی سیاستمداران سرمایه‌دار بالاتر از قدرت انتقاد است. فقط قدرت گلوله و شمشیر می‌تواند چنین پروژه‌هایی را مسکوت گذارد. آن‌ها فقط انتقاد گلوله را می‌فهمند.

مافیای صادرات و واردات که هم دارو سازی ایران را نابود کرده و هم چون موش ریشه کشاورزی صنعتی و صنعت شهری ایران را می‌جود، دست در دست مافیای آب، با سیاست‌ها و اعمال مخرب ولی سود آور برای خودشان، کل سیستم آب رسانی سالم کشور را نابود کرده‌اند.

خشک شدن روز افزون مراتع، خشک شدن تقریباً تمام دریاچه‌های ایران، فروکش زمین که در مناطقی به عرض یک اتوبان و طول بیش از ۷۰ کیلومتر است، روند انتشار شبکه‌ای و قابل سنجش روزانه آن که کلیه زمینه‌های زندگی روزمره مثل امنیت شهرها و جاده‌ها، امنیت آثار باستانی، امنیت آبهای زیر زمینی و... را در خطر جدی بلاواسطه و بلافاصله قرار داده است، عوارض چنین سیاست‌هایی‌ست.

این پروژه تمام خواهد شد. ده‌ها میلیارد دلار سود نصیب شرکت‌های سازنده که یکی دو سیاستمدار ایرانی در رأس آن‌ها نشسته‌اند، خواهد کرد و سپس بعد از خسارات جبران ناپذیر به محیط زیست، باد فراموشی بر آن خواهد وزید.

وقتی مافیای آب، آبهای زیر زمینی را به

منطقه	ارتفاع از سطح دریا
کرمان	۱۷۶۰ متر
اراک	۱۷۰۸ متر
زنجان	۱۶۳۸ متر
اصفهان	۱۵۷۱ متر
اهواز	۱۸ متر

ویکیپدیا - ۱۸ دسامبر ۲۰۲۳

خاطر سود، بی رویه از اعماق زمین بیرون می‌کشد، آب دریا را برای سود به بلندی‌های خشک کشور می‌کشاند، آب رودخانه‌ها را ارزان به کشورهای خارجی و یا کارخانجات داخلی می‌فروشد، باعث تغییرات ویران کننده‌ای

آگاهی دادن و سازماندهی مردم برای سرنگون ساختن سرمایه‌داری را نباید به فردا افکند، کار امروز است.

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط‌مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما بپیوندید

کودک‌همسری، تجاوز به تمام ابعاد جامعه

کودک‌همسری یعنی چه؟

برای ازدواج، قانون اسلام است. «(رکنا - کد خبر: ۷۴۵۷۶۹ - مصاحبه ۱۴۰۰) این موضع عمومی رژیم جمهوری اسلامی است. سن ازدواج در قانون اسلامی، وجود اندک برجستگی نوک پستان دختر است. دیگر فرقی نمی‌کند که این دختر ۷ ساله، ۱۰ ساله و یا ۱۴ ساله باشد. معیار آلت جنسی نیمه رسیده اوست. البته اگر پدر خانواده به ازدواج دختر ۶ ساله‌اش هم رضایت دهد، به لحاظ آئین اسلامی، همه موانع پیش پای این ازدواج برطرف می‌شود. آنچه می‌ماند تشخیص دادگاه صالح است که این دادگاه در این مورد همیشه تشخیص مثبت دارد. طبق ماده ۱۰۳۱ قانون مدنی ایران «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی، به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح».

در واقع در ایران قانونی برای تعیین حداقل سن ازدواج وجود ندارد. کودک‌همسری در واقع ازدواج بدون در نظر گرفتن عواملی است که در زیر آمده است:

- ۱- داشتن ۱۸ سال سن
- ۲- رشد جسمی جهت آمادگی در هموابگی
- ۳- داوطلب بودن در برقراری روابط زناشویی و زندگی خانوادگی

حل مشکل محیط زیست نیست. تخریب محیط‌زیست شاهکار تنهارژیم جمهوری اسلامی ایران نیست، کلیه نظام‌های سرمایه‌داری از آمریکا گرفته تا چین، از روسیه تا اروپا، همه و همه مشغول تخریب همه جانبه محیط زیست هستند. همین امروز بر سر مردمان غزه بمب فشری می‌بارند همان طور که در یوگوسلاوی باریدند. بمب اتمی بر سر مردم می‌ریزند، همان طور که در هیروشیما و ناکازاکی صدها هزار نفر را در عرض چند ثانیه کشتند و اتمسفر کره زمین را به شدت آلودند.

آقای مصطفی رضیئی، نویسنده مقاله‌ای در رادیو زمانه دنبال راه چاره می‌گردد و می‌گوید: «با وجود این تغییر می‌تواند متحقق شود، آن‌هم با آموزش عمومی و برنامه‌ریزی‌ای که اپوزیسیون خارج از ایران انجام دهد ... عمدا ننوشتیم چه خواهید کرد، چون زمان برنامه‌ریزی برای حفظ محیط زیست ایران، امروز است نه فردا. نمی‌توان کار امروز را به فردا انداخت، نباید هم چنین کرد.» (رادیو زمانه)

موضع‌گیری آخر آقای رضیئی کاملاً درست است. کار امروز را نباید به فردا افکند ولی موضع اول ایشان بسیار سطحی و رؤیائی است. تخریب محیط زیست ایران در ذات سود جوئی سرمایه‌داری است. فقط با آگاهی و آن هم از خارج کشور و با اقدامات کوچک برخی از طرفداران محیط زیست در ایران، هیچ محیط زیست تخریب شده‌ای احیا نمی‌شود.

پایان تخریب محیط زیست مقارن خواهد بود با پایان استثمار طبقه کارگر. لذا با سرنگونی نظام سرمایه‌داری و قطع استثمار طبقه کارگر و استثمار طبیعت خاتمه می‌یابد.

آگاهی دادن به مردم در مورد محیط زیست باید با آگاهی دادن به آن‌ها در مورد آلترناتیو سوسیالیستی همراه باشد والا کوبیدن بر طبل توخالی است. واقعا هم

در محیط زیست موجود زنده می‌گردد. فساد آنچنان گسترده و آشکار است که صدای دست اندرکاران را نیز در آورده است:

رئیس کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی، عباس رجائی، می‌گوید: «به علت فرسایش شدید خاک، حوزه‌های آبخیز سدهای کشور دارای ۲۵۰ میلیون متر مکعب رسوب دهی در سال است و در بخش کشاورزی، هر سال بیش از ۲ میلیارد متر مکعب خاک حاصلخیز در اثر فرسایش خاک شسته شده و موجب از بین رفتن هزاران هکتار زمین و کاهش تولید محصول می‌شود ... سالانه وسعتی بالغ بر ۴۰۰ هزار هکتار از اراضی حاصلخیز کشور دستخوش فرسایش می‌شود که ارزش اقتصادی خسارات سالانه فرسایش خاک در ایران ۱۰ هزار میلیارد ریال معادل تخریب یک میلیون هکتار زمین کشاورزی برآورد شده است.» (انجمن علمی سیستم‌های سطوح آبگیر باران ایران)

یکی از عوامل مهم فرسایش خاک، دخالت انسان در مجاری طبیعی سیلاب‌ها، استفاده بی رویه از آب‌های زیر زمینی و آلودگی شدید اتمسفر منطقه‌ای، جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی است. یکی دیگر از علل فرسایش خاک، رانش زمین و هوای مسموم اکثر شهرهای ایران، انباشت زباله کارخانجات و زباله شهری در کنار شهرها و در مناطق جنگلی است. برای مثال: «بحران زباله در جنگل‌های سراوان رشت، مساله‌ای ۴۰ ساله با کوهی ۱۱۰ متری از زباله انباشته شده است که انواع آلودگی‌های زیست محیطی اعم از آب‌های سطحی و زیرزمینی تا تخریب جنگل را در پی داشته و زندگی را برای مردمان منطقه دشوار کرده است.» (ایرنا - قرائت در ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳)

جمهوری اسلامی همانند دیگر کشورهای سرمایه داری نشان داده است که قادر به

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران

۴- داشتن امکانات آموزش و پرورش و درک مسئولیت اجتماعی و خانوادگی بعد از ازدواج

کودک همسری عوامل فوق را برنمی‌تابد. به ویژه بند ۱ و ۲ به طور کامل و آگاهانه نقض می‌گردد و همراه با آن بند ۳ و ۴ به فراموشی سپرده می‌شود.

بر بنیان دلالتی که در این نوشته خواهد آمد، گسترش کودک همسری ابعاد مصیبت باری یافته است. با وجود اخطارهای متخصصین امور اجتماعی و خانوادگی، نه تنها اقدامی در پیشگیری آن صورت نمی‌گیرد بلکه دامنه آن روز افزون گسترده می‌گردد.

فقط در بهار ۱۴۰۰ با رشد ۳۲ درصدی نسبت به بهار قبل از آن ۹۷۵۳ ازدواج دختران ۱۰ تا ۱۴ ساله صورت گرفته است. از این ازدواج‌ها در شش ماه سال بعد ۷۴۷ کودک به دنیا آمده است.

در سال ۱۴۰۲ حدود «۲۰ هزار مورد کودک همسری طی ۹ ماه (خبر انلاین ۲۶ فروردین ۱۴۰۲) به ثبت رسیده است. و این جنایت گسترده در حال رشد و گسترش بیشتری است.

چرا کودک همسری یک جنایت آشکار اجتماعی است؟ زیرا:

۱- حق یک انسان را در داوطلبانه انجام دادن یک امر اجتماعی و یا فردی پایمال می‌کند. ایدئولوژی کودک همسری اعمال قهر از بالا را به جای آگاهی و داوطلبانه بودن کارها در جامعه دامن می‌زند به این جهت در کل جامعه تأثیر مخرب جنایت کارانه‌ای بر زندگی و کار زحمتکشان برجای می‌گذارد.

۲- رابطه جنسی با جسم، احساس و روان انسان‌ها سروکار دارد. اگر داوطلبانه باشد، اگر در یک رابطه عاشقانه و سالم برقرار شود، بسیار لذت بخش در لحظه برقراری و آرامش بخش در کل زندگی مشترک است. اگر این رابطه ناخواسته، به اجبار و تحت ملاحظات مالی و سنت‌های عقب مانده انجام شود، نه تنها لذت بخش نیست بلکه زخم‌های عمیق روانی بر دختر بچه برجای می‌گذارد که

جبران‌ش حتی در یک جامعه باز و سالم به سختی امکان پذیر است. پدیده‌هایی مثل سر بریدن مونا حیدری توسط شوهرش و کشته شدن شوهر سمیرا سبزیان به دست او، از عوارض چنین ازدواج‌هایی هستند. ۳- هیچ دختر بچه‌ای حاضر به ازدواج زودرس نیست، حاضر به هم خوابگی با مرد بیست، سی و چهل ساله و بالاتر نیست. لذا این نوع ازدواج زورکی و تحت جبرهای مختلفی انجام می‌گیرد. این نوع ازدواج‌ها، تجاوز جنسی آشکار و دائمی به یک انسان اجتماعی است. تجاوز به کل جامعه است.

۴- دختر بچه‌ای که باید با اسباب بازی‌هایش مشغول و هنوز نه به لحاظ جسمی و نه روانی آمادگی هم خوابگی و بچه‌دار شدن را ندارد، باردار شدنش برایش امری است غریب و کودک در شکمش موجودی است که در تطابق با روان و جسم نازارام مادر در ناآرامی و تنش رشد می‌کند. این مادر و کودک در خطر جدی امراض عفونی، مرگ هر دو در زمان تولد کودک و یا نارسائی‌های جدی جسمی، عصبی و روانی در خانواده قرار می‌گیرند. این خانواده پر معضل و ناسالم، یک سلول اجتماعی است. وجود هزاران از این سلول‌ها، کل جامعه را دستخوش تغییرات ویران کننده‌ای می‌کند. این نوع ازدواج‌ها کل جامعه را به فساد و نارسائی می‌کشاند. به این جهت کودک همسری یک جنایت اجتماعی است که تمام ابعاد جامعه را در خود می‌فشارد.

علل کودک همسری در جامعه کدامند؟

بسیاری از محققین اجتماعی، امور خانواده، روانشناسان و غیره، زمینه‌هایی از علل کودک همسری را بیان می‌کنند، تحلیل‌های بخش‌های عینی و دقیقی را به دست می‌دهند ولی به عمق نمی‌روند و علت العلل این نارسائی و راه حل آن را نمی‌بینند.

مثلاً خانم مستوره برادران نصیری چنین می‌نویسد: «فقر اقتصادی در کنار محدودیت‌ها و انزوای فرهنگی و تحت سیطره نظام پدرسالاری که دختران به

عنوان مملوک پدر شناسایی می‌شوند و پدر می‌تواند درباره آینده آنها تصمیم بگیرد موجب می‌شود ازدواج دختر بچه‌ها تداوم داشته باشد.» (مستوره برادران نصیری - خبر آنلاین - ۲۶ فروردین ۱۴۰۲)

و یا خانم سیمین کاظمی، پزشک و جامعه شناس چنین می‌گوید: «بررسی‌ها و مطالعات مختلف نشان می‌دهد در دوره کنونی تابلوی اصلی کودک همسری، دختر بچه‌ای است که در شرایط فقر خانواده و محرومیت و انزوای فرهنگی و اجتماعی به اجبار ازدواج کرده یا به عبارت دقیق‌تر فروخته شده است...» (سیمین کاظمی، پزشک و جامعه‌شناس - خبر آنلاین - ۲۶ فروردین ۱۴۰۲)

در این تحلیل‌ها به فاکتورهای درست و مهمی برای کودک همسری اشاره شده است از قبیل فقر، انزوای فرهنگی، سیطره پدر سالاری و غیره.

ولی کودک همسری دارای علل دیگری نیز هست که فقط منحصر به جامعه ما نیست ولی در جامعه ما عمیقاً ریشه دوانده است:

۱- فقر یکی از عوامل مهم در به وجود آمدن و گسترش کودک همسری است. زیرا نان آور یک خانواده زحمتکش و فقیر قادر به تغذیه افراد خانواده‌اش نیست. او با شوهر دادن دختر کوچکش هم او را از گرسنگی نجات می‌دهد و هم مخارج خودش را سبک می‌کند. در عین حال مرد فقیری نیز که قادر به تأمین هزینه بالا برای ازدواج با یک دختر رسیده و با سواد و دوره دیده نیست، مجبور می‌گردد دختر فقیری را از پدرش با قیمت بسیار ارزان بخرد و در شکل ازدواج این خرید و فروش را قانونی کند. این عامل عینی و مادی که انسان را بر سر دوراهی مرگ تدریجی ناشی از گرسنگی و بی‌سرپناهی و یا «نجات» از آن قرار می‌دهد، عامل بسیار تعیین کننده‌ای است.

۲- فرهنگ فاسد، مبتذل ولی با قدمت بیش از هزار سال تاریخ: دختر نباید در خانه بماند و ترشیده شود. این شیوه تفکر باعث می‌گردد که پدر خانواده که از نظر مالی

اجتماعی برای از پادآوردن مردم، سعی می‌کند تا فرهنگ منحن خود را در تمام زمینه‌های زندگی نفوذ دهد، لذا فقط با برچیده شدن نظام سرمایه‌داری کودک‌همسری نیز پایان می‌یابد.

**حزب کمونیست راستین
ایران شکل سازمانی ایدئولوژی
پرولتاریاست**

تحریف تروتسکیستی رویدادهای تاریخی

نوشته علی رسولی
ادامه

حمله به پتروگراد، که آن هم داستانی مشابه دارد) و جنگ با لهستان، چه هدفی را دنبال می‌کرد؟ اشتباه خواهد بود اگر تصور شود که تروتسکی در این زمان، آلت دست آلمان و یا کشور امپریالیستی دیگری شده باشد، هر چند تروتسکی در آینده چنین سرنوشتی را برگزید. در این باره نه سند و مدرکی موجود است و نه او می‌توانسته از این طریق به هدف خود یعنی مقام اول کشور برسد. اگر کاردهای سفید به پیروزی نهائی می‌رسیدند و کشور شوراهای ساقط می‌شد، حتی با وجود نقشه‌های مشکوک تروتسکی، دیگران یعنی ژنرال‌های سفید و طرفداران رژیم تزاری، مقام‌های اول را از آن خود می‌کردند. تروتسکی از همان اوان انقلاب اکتبر کوشید یاران نزدیک به خود و هم فکرانش را بر مقام‌های مهم اداری و صنعتی بگمارد. او تعداد بیشماری از افسران ارتش تزاری را در فرماندهی ارتش سرخ گمارد. او در تمام سخنرانی‌ها و نوشتجات خود، سعی داشت شخص تروتسکی را به عنوان رهبر و قهرمان اصلی انقلاب اکتبر معرفی کرده و ارزش دیگران را پائین بیاورد. هدف او بر این بود که لنین و پیروان مشی لنینی را از قدرت ساقط کند و خود با حمایت دستجاتی که برکار گمارده بود، قدرت حزبی و

یک عامل عینی است که کودک‌همسری را دامن می‌زند. در نتیجه عامل تشدید استثمار یکی از عوامل مهم و عینی رشد کودک همسر است.

دختر بچه‌هائی که کودک همسر می‌شوند، علاوه بر این که این یک عارضه خطرناک اجتماعی است، خود کودک نیز علاوه بر بیماری‌های خطرناک جسمی، دچار افسردگی‌های شدید و مرگ آور می‌شوند. به این جهت خودکشی در بین کودک همسران بیش از گروه‌های دیگر اجتماعی است. به بیان دیگر کودک‌همسری یکی از غده‌های چرکین جامعه امروزه سرمایه‌داریست.

این کودک همسران اغلب دچار خشونت همسر و خانواده همسر خود نیز می‌شوند و به علت بی‌پناهی و درماندگی در آن مناسبات، هویت و شخصیت خود را از دست می‌دهند و به آسانی طعمه دیگران می‌گردند.

این غده چرکین فقط در ایران عارض مردم نمی‌شود بلکه یک معضل بزرگ بین‌المللی است.

طبق گزارش یونیسف: «هر سال ۱۲ میلیون دختر در کودکی مجبور به ازدواج می‌شوند (DW - فارسی - قرائت: ۱۳ اربابیهشت ۱۴۰۲)»

بنابر گزارش یونیسف (سال ۲۰۲۰)، «تقریباً ۴۰ درصد دخترهایی که در فقیرترین کشورهای دنیا زندگی می‌کنند، کودک همسر هستند و این رقم دو برابر متوسط جهانی است.» همان طور که در مورد ایران. گفته شد، در سطح بین‌المللی نیز فقر عامل مهم کودک‌همسری می‌باشد.

در نتیجه کودک‌همسری به طور عام ریشه در فقر، معضلات فرهنگی و نظام پدرسالاری دارد که در ایران به طور ویژه این فساد و معضل با شیوه تفکر اسلامی در مورد پیاده کردن سنت‌های پیامبر اسلام گره خورده است.

نتیجه این که امروزه، کودک‌همسری غده سرطانی نظام سرمایه‌داری است که برای کسب ابر سود، کل جوامع بشری را به فقری بی‌مثال فرو برده است. این ساختار

وضع مساعدی هم دارد، تصمیم بگیرد که دختر بچه‌اش را شوهر دهد. آشخور این شیوه تفکر، فرهنگ باستانی ایران و دید اسلامی نسبت به زن است.

۳- وجود نیروهای که مصمم هستند به هر ترتیب، سنت پیامبر اسلام را در جامعه اجرا کنند.

هم بستر شدن پیامبر اسلام با یک دختر هفت ساله (عایشه). عایشه می‌گوید... «روزی پیامبر به خانه ما آمد، تنی چند از مردان انصار و چند زن با وی بودند، مادرم بیامد، من در ننوئی بودم و باد می‌خوردم. مادرم مرا از ننو پائین آورد و سرپوش مرا بیاورد و صورتم را با آب بشست. آنگاه مرا کشید و برد و چون به نزدیک در رسیدم مرا نگهداشت تا کمی آرام شدم. آنگاه به درون رفتم. پیغمبر خدا در اطاق ما بر تختی نشسته بود.

...و مرا کنار او نشاند و گفت: "این خانواده‌ء توسست، خدا آنها را به تو مبارک کند و ترا به آنها مبارک کند." و مردم و زنان برفتند و پیمبر در خانه‌ام با من زفاف کرد، نه شتری کشتند، نه بزی سر بردند، من آن وقت هفت سال داشتم."...» (تاریخ طبری - جلد ۴ - ص ۱۲۹۲)

این را طبری از عایشه نقل کرده است. سندیت دارد و تا کنون هیچ مسلمانی بر آن ایراد نگرفته است. محمد یک زن باره بی‌وجدان و یک متجاوز بی‌عاطفه بود. در سن پنجاه و سه سالگی، عایشه هفت ساله را به رختخواب می‌برد. امروزه چنین انسانی به عنوان متجاوز جنسی در همین جامعه بورژوازی محکوم به چندین سال زندان می‌شود.

ولی به هر حال در جامعه اسلامی ایران برای جا انداختن این سنت دیرینه اسلامی تلاش فراوانی صورت می‌گیرد. این یکی از عوامل فکری و مقدس اسلامی در کودک‌همسریست.

۴- سن متوسط فرد در جامعه ایران هر روز بالاتر می‌رود. جامعه ایران پیر می‌شود. رژیم جمهوری اسلامی احتیاج به نیروی کار جوان دارد. لذا مردم را تشویق به ازدواج و فرزند آوری می‌کند، بدون این که شرایط آن را فراهم کند. این

دولتی را کسب کند. در صورت تحقق نقشه‌های مشکوک او و عدم موفقیت جنگی، ناراضیاتی عمومی افزایش می‌یافت، اختلافات در درون حزب، ادارات و ارتش همه گیر میشد و نا بسامانی درون جامعه فزونی پیدا می‌کرد. در چنان اوضاعی، او قصد داشت خود را به عنوان ناجی معرفی کرده و با یاری ارتش که زیر فرماندهی افسران سابق تزاری عمل می‌کرد، حتی اگر به صورت کودتا باشد، بر اریکه قدرت بنشیند. باید در نظر داشت که برخی اقدامات او در ارتش، از جمله تلاش در برکناری استالین از شرکت در عملیات جنگی، اقدام ناموفق به دادگاهی کردن وروشیلوف و کوشش در اعدام برخی از کمیسرهای ارتش سرخ که از طریق کمیته مرکزی رد شد و... می‌توانستند به منظور رسیدن به آن هدف بوده باشند. تروتسکی همیشه معتقد بود که: «وسیله را فقط هدف می‌تواند توجیه کند، اما هدف نیز به نوبه خود احتیاج به توجیه دارد» (اخلاق آن‌ها و اخلاق ما). هدف توجیه پذیر را کی تعیین می‌کرد؟ تروتسکی. وسیله را کی معین می‌ساخت؟ باز هم تروتسکی!! یعنی عمل به هر اقدامی که او مجاز بداند برای رسیدن به هدف توجیه پذیرش، ضروری است. با پیروی از این نظر و روش بود که او بعدها حتی به جاسوسی امپریالیست‌ها تن داد، و برای پیروان خود نیز توجیه فلسفی - سیاسی آفرید.

پس از پایان جنگ داخلی، اعمال مشکوک تروتسکی پایان نگرفت، بلکه تغییر شکل داد. او اقدام به تشکیل فراکسیون ضد حزبی کرد و به طرح نظریات خطرناک و ضد مارکسیستی در ارتباط با اتحادیه‌ها پرداخت. او پیش از این که این مباحث در درون حزب به اندازه کافی مورد تبادل نظر قرار گرفته باشد، اقدام به انتقال بحث به خارج از حزب و در مجالس متفاوت کرد. او خواهان اجرای اصول نظامی در اتحادیه‌های کارگری و از «خانه تکانی» اتحادیه‌ها، محکم کردن پیچ و مهره اتحادیه‌ها، دولتی کردن اتحادیه‌ها و

انتصابی بودن مقامات اتحادیه‌ای، نام برد. لنین به مبارزه با نظریات انحرافی تروتسکی پرداخت، به طوری که نظر او در حزب به طور مطلق رد شد. لنین در این موارد چندین نوشته دارد که تنها به ذکر چکیده‌ای بسنده می‌شود و خواننده می‌تواند برای درکی عمیق‌تر به آن منابع رجوع کند. «سند اصلی که در این جا بدان استناد خواهیم کرد، جزوه رفیق تروتسکی «نقش ووظایف اتحادیه‌های صنفی» است. من ضمن مقابله این جزوه با تزه‌های پیشنهادی تروتسکی به کمیته مرکزی و تعمق در محتوی آن‌ها از کثرت اشتباهات تئوریک و نادرستی‌های فاحشی که در آن موجود است، دچار حیرت شدم. چه طور ممکن است کسی هنگامی که پیرامون این مسأله در حزب مباحثه دامنه‌داری آغاز می‌کند، به جای یک چیز بسیار سنجیده، چیزی به این بدی تهیه کند؟... اتحادیه‌های صنفی نه تنها ضرورتی تاریخی هستند، بلکه به عنوان سازمان پرولتاریای صنعتی از لحاظ تاریخی اجتناب ناپذیر می‌باشند، و تحت دیکتاتوری پرولتاریا، تقریباً سراسر این طبقه را دربرمی‌گیرند. این یک نکته بنیادی است، ولی رفیق تروتسکی پیوسته آن را فراموش می‌کند، نه آنرا درک می‌کند و نه آنرا نقطه حرکت خود قرار می‌دهد.... در هر قدم از تحقق دیکتاتوری پرولتاریا، نقش اتحادیه‌های صنفی دارای اهمیت بزرگی است. ولی نقش‌شان چیست؟ این سازمان یک سازمان دولتی نیست، برای اعمال جبر هم نیست، بلکه برای تربیت است. سازمانی است برای جلب افراد و تعلیم آن‌ها، این سازمان یک مکتب است: مکتب اداره امور، مکتب مدیریت اقتصادی، مکتب کمونیسم.... به همین جهت سخن گفتن از نقش اتحادیه‌های صنفی بدون در نظر گرفتن این حقایق، ناگزیر به بروز یک سلسله اشتباهات می‌انجامد.... باید این نکته را تصریح کنم که ما اگر فعالیت عملی خود و تجربه‌ی خود را، و لو در ابعادی کوچک، به طور مفصل بررسی می‌کردیم، می‌توانستیم از صدها

«اختلاف» و اشتباه اصولی زائد که جزوه رفیق تروتسکی مملو از آن‌هاست، پرهیز کنیم. تزه‌ها حاوی تعدادی اشتباهات تئوریک هستند. این رویکردی مارکسیستی به ارزیابی «نقش ووظایف اتحادیه‌های صنفی» نیست، زیرا بدون تعمق در جنبه‌های سیاسی خاص زمان کنونی، بررسی موضوعی با دامنه‌ای چنین گسترده، غیرممکن است.... شما به توده‌ها امکان نداده‌اید که درباره امور بحث کنند، مطالب را فرا گیرند و درباره آن تعمق کنند. شما بدون این که به حزب امکان کسب تجربه تازه داده باشید، عجله می‌کنید، زیاده روی می‌کنید و فرمول‌هایی می‌سازید که از نظر تئوریک نادرستند» (لنین - اتحادیه‌های صنفی، وضع کنونی و اشتباهات تروتسکی - 30 دسامبر 1920). «پلنوم کمیته مرکزی در 9 نوامبر. تروتسکی «پیش نویس تزه‌های» خودش را تحت عنوان «اتحادیه‌ها و نقش آتی آنان» ارائه می‌دهد که در آن‌ها از همان سیاست «خانه تکانی» اتحادیه‌ها منتها با پوشش یا آرایشی از عبارات مربوط به یک «بحران حاد» اتحادیه‌ها و وظایف و اسلوب‌های نوین آنان، طرفداری می‌شود.... تزه‌های تروتسکی رد شدند. تزه‌های لنین پذیرفته شدند. قطعنامه مربوطه در شکل نهائی آن با ده رأی موافق در مقابل چهار رأی مخالف به تصویب رسید.... کمیته مرکزی کمیسیون اتحادیه‌ها را انتخاب می‌کند و رفیق تروتسکی نیز جزو آنست. تروتسکی کار در کمیسیون را نمی‌پذیرد و فقط همین اقدام است که اشتباه اولیه رفیق تروتسکی را تشدید می‌کند و سپس به تشکیل فراکسیون می‌انجامد. بدون آن اقدام، اشتباه او (پیشنهاد تزه‌های نادرست)، اشتباهی بسیار ناچیز و از نوعی بود که برای تمام اعضای کمیته مرکزی بدون هیچ استثنائی، پیش آمده است.... هشتمین کنگره شوراه‌ها. روز 25 دسامبر تروتسکی «جزوه پلاتفرم» خود را تحت عنوان «نقش ووظایف اتحادیه‌ها» عرضه می‌دارد. تروتسکی از

نظر دموکراسی رسمی حق بی چون و چرا داشت که پلاتفرم خود را عرضه دارد، زیرا کمیته مرکزی در روز ۲۴ دسامبر اجازه آزادی مباحث را داده بود. ادامه دارد

**مبارزه علیه سرمایه‌داری
فاشیستی داخلی جدا از
مبارزه علیه امپریالیسم
نیست**

می توانستم شاعری باشم

می توانستم شاعری باشم
بی درد، پُر افاده، خودپسند،
پرده بردار پنتیارگانی
که بر ستمدیدگان ترس خورده
حکومت می کنند.
می دانم!
گلوه را با کلمه می نویسند،
اما وقتی که از کلمات
شقی ترین گلوه‌ها را می سازند،

چاره چریکی چون من چیست؟
کلمات
راهگشای آگاهی آدمی‌ست
و ما نیز
سرانجام
بر سر معنای زندگی متحد خواهیم شد:
کلمه، کلمه نجات!
مردم
ترانه‌ای از این دست می طلبند.
ارنستو چه گوارا



شیوه تفکر یک خرده بورژوا: خرده بورژوا خود را عقل کل میداند. با کسانی که فکر می‌کند به لحاظ دانش از او پائین ترند، برخورد ارباب رعیتی دارد ولی از داناتر از خود با ایجاد جو مشاجره قهر می‌کند یعنی فرار را بر قرار ترجیح میدهد.

پرولتاریای جهان متحد شوید!

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!
در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!
حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!
تروتسکیسم را از صفوف خود طرد کنیم!
به پیش در سمت ایجاد شوراهای کارگران و تهیدستان!
پیروز باد دیکتاتوری پرولتاریا
پیروز باد دولت شورائی کارگران و تهیدستان